

مقایسه نقش سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی

سمیرا توحیدی منش^۱، آقای دکتر محمدسعید عبدخدایی^۲

^۱ دانشجوی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه حکمت رضوی مشهد

^۲ رئیس پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
نویسنده مسئول:

سمیرا توحیدی منش

چکیده

هدف: در اهمیت موضوع پژوهش باید بیان کرد که جامعه سالم در پرتو خانواده سالم و بارور شکل می گیرد. سرمایه روانشناختی به عنوان جنبه مثبت سلامت روان به شمار می رود و از این نظر بر شکل گیری رفتارهای مثبت در زمینه زندگی زناشویی می تواند تاثیرگذار باشد. از طرفی پژوهش در زمینه مسایل مربوط به روابط زوجین همچون هوش هیجانی می تواند به سیاست گزاران و مشاوران حوزه خانواده کمک نماید تا برای تقویت پیوندهای خانوادگی و بهبود فضای خانواده، از نتایج چنین پژوهش هایی استفاده کنند. لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه نقش سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق و افراد عادی انجام گرفته است.

روش: در این پژوهش ۵۰ نفر از زوجین ۲۰ تا ۵۰ سال و حداقل دیپلم که تصمیم به طلاق و جدایی داشته و به دادگستری نیشابور تقاضای رسیدگی داده بودند و نیز زوجین عادی حضور داشتند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های سرمایه روانشناختی لوتارز (۲۰۰۷)، پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۷۷) استفاده شد جهت تجزیه و تحلیل آماری، از رگرسیون لجستیک^۳ استفاده گردید.

یافته ها: نتایجی که از تحلیل پرسشنامه ها بدست آمده است گویای این مطلب می باشد که هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی در گروه متقاضی طلاق نسبت به گروه زوجین عادی به طور معناداری متفاوت است.

نتیجه گیری: عدم آگاهی و مهارت در ویژگی هایی چون کنترل استرس، مهارتهای درون فردی و بین فردی، سازگاری، امیدواری، خوش بینی و... باعث کاهش عملکرد در هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی شده که این امر باعث می شود زوجین نتوانند مسایل و مشکلات زناشویی را حل نمایند و موجب شدت یافتن اختلاف شده و باعث می شود که زوجین تقاضای طلاق دهند.

واژگان کلیدی: زوجین متقاضی طلاق - هوش هیجانی - سرمایه روانشناختی

^۳. Logistic Regression

مقدمه

با تغییراتی که در جوامع امروزی ایجاد شده و تاثیراتی که بر نهاد خانواده داشته است، باعث شده که به تدریج نظام خانواده کارکردها و آثار گذشته‌ی خود را از دست داده و متأثر از شرایط و نظام ارزشی جدید شود، به طوری که ساختار سنتی خانواده متحول و نوع روابط انسان‌ها در این خانواده دست خوش تغییر شده است. عواطف، احساسات و نوع نگاه اعضای خانواده در قبال یکدیگر و در قبال زندگی و تشکیل خانواده تغییر کرده است، در اثر این تغییرات خانواده دچار آسیب‌هایی شده است. از میان آسیب‌هایی که نظام خانواده را تهدید می‌کنند پایین آمدن کیفیت زندگی و طلاق و جدایی اهمیت بسیار زیادی دارد. بنا به گفته‌ی مارکمن و هالوی (۱۹۹۳) تقریباً همه زوجینی که ازدواج می‌کنند در ابتدای زندگی شان سطح بالایی از رضایت زناشویی را گزارش می‌کنند. اما این رضایت از رابطه در طول زمان و در میان بسیاری از زوجین کاهش می‌یابد (برادبری ۱۹۹۵). بارزترین شاخص آشفتگی زناشویی طلاق است. تجربه‌ی طلاق برای بسیاری از زوجین تلخ و دردناک است (گلیک ۱۹۸۹). طلاق یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است که قطعاً برای بسیاری از انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است. تجربه‌ی طلاق و جدایی، سازگاری زوجین را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یکی از رفتارهای اجتماعی انسان تشکیل خانواده و تلاش برای حفظ و بقای نوع خویش است. با وجود اختلافات بسیار در آداب و رسوم جوامع گوناگون و تغییرات چشمگیر آنها در بیشتر زمانها، ازدواج یکی از مراسم منحصر به فردی است که همواره با بشر همراه بوده است (آقابیکلویی و آقاخانی، ۱۳۸۶). ازدواج درست پایه و اساس تشکیل خانواده و ثبات آن می‌باشد. وجود ثبات، استحکام و برقراری نظم در این نهاد منوط به داشتن روابط گرم اعضای خانواده با یکدیگر است. در اغلب ازدواج‌های سالم، اختلافاتی وجود دارد، اما به طرز معقول حل و فصل می‌شود. اما گاهی بروز مشکلات فراوان در راه زندگی زناشویی و خانوادگی به طور بالقوه قادر به تهدید کانون گرم خانواده بوده و می‌تواند زیربنای اولیه لغزش را در زندگی خانوادگی به وجود آورد (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). تعارضات زناشویی و طلاق از عوامل مهمی هستند که بهداشت روان و در نتیجه کیفیت زندگی اعضای خانواده را به خطر می‌اندازند. تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید (دیویس ۱۳۸۲). یکی از مشکلات شایع در خانواده تعارض زناشویی است. تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه‌های بی‌شماری را برای تعارض فراهم می‌کند (لیم هونگ ۲۰۰۸). عوامل خطر ساز کیفیت زندگی را می‌توان تحت دو عنوان کلی که عوامل درون فردی (خصوصیات شخصیتی، افکار و اعتقادات بنیادی و عوامل ارثی) و عوامل بیرونی (تجارب منفی خانوادگی، فقدان مهارتها، یادگیری‌های نامناسب و عوامل فرهنگی - اجتماعی هستند) تقسیم نمود. این عوامل اگر به صورت منفی و نا سازگار باشند می‌توانند کیفیت زندگی فرد را به خطر اندازند. زوج‌های در آستانه طلاق به دلیل تعارضات بالا و افکار و هیجانات منفی‌ای که دارند، کیفیت زندگی نامناسبی داشته و رضایتشان از زندگی پایین می‌باشد.

کشور ایران در یک مرحله گذار از سنت به مدرنیته است و بستر انواع انحرافات و ناپهنجاری‌های اجتماعی است. آمار بالای انحرافات مانند اعتیاد، طلاق و بزهکاری در ایران باعث شده است که در دنیا و وضعیت نامساعدی داشته باشد (توسلی و فاضل، ۱۳۸۱). طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی در سال‌های اخیر در دنیا و ایران افزایش یافته است. محققان علت‌های مختلفی برای طلاق ذکر نموده‌اند، از جمله اختلافات شدید اعتقادی - میزان هوش هیجانی - تفاوت‌های شخصیتی و فرهنگی، جنسیتی، خانوادگی - مشکلات اقتصادی - پافشاری دو طرف در به کرسی نشاندن عقیده یا رای خود، پایین بودن میزان همدلی و تاب‌آوری دوطرف؛ باعث برخوردها و تنش‌هایی می‌گردد که به تعارض و نهایتاً به طلاق ختم می‌شود (قربانی، ۱۳۸۴، کوردک ۱۹۹۲، مالوف، ثورستین سون، اسکات، بولار، روک ۲۰۱۰، رادریگیوز، هال، بوفالو، و فینچام ۲۰۰۸).

4. Markman & Hallwey

5. Bradbury

6. Glick

7. Davis

8. Lim Hong

9. Kurdek, I.A

1. Malouff, J.M; Thorsteinsson, E.B; Sehtut, N.S; Bhullar, N; & Rookke, S.E

1. Rodingues, A.E; Hall, J.H; Buffalo, S. & Fincham, F.D

بر اساس طرح نمونه گیری سال ۱۳۸۰، حدود ۹۹ درصد زنان در جامعه ایرانی تا سن ۵۰ سالگی حداقل یکبار ازدواج کرده بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳). ازدواج و رابطه زناشویی، منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. از طرفی ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، یگانگی، علاقه، رضایت و خوشبختی فرد می شود و خلاف این امر، اختلافات زناشویی و در نهایت نارضایتی از ازدواج را به همراه خواهد داشت. (بت، گابین و فالوی، ۲۰۰۵).

آمارها نشان می دهد که رضایت زناشویی به راحتی به دست نمی آید. براساس آمارهای طلاق تخمین زده می شود که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از نخستین ازدواج ها در ایالت متحده آمریکا و حدود ۲۴ درصد در ایران منجر به طلاق می شود (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۰). اغلب افرادی که ازدواج می کنند، در آغاز زندگی دارای سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند، اما علاوه بر افت تدریجی که با گذشت زمان در رضایت زناشویی رخ می دهد، در همان هفته ها و ماه های اول ازدواج نیز مشکلات جدی رخ می دهد که اگر حل نشود می تواند رضایت و ثبات رابطه زناشویی را تهدید کند (مارکمن و فلوید، ۲۰۰۱۳). تحقیقات نشان داده اند که آشفتگی زوج ها، با اختلالات رفتاری و هیجانی فردی رابطه دارد (ویسمن و شلدون، ۲۰۰۱۴). در مقایسه با افراد متاهل سازگار، زوج های آشفته ۳ بار بیشتر دچار سوء مصرف مواد و ۵/۵ بار بیشتر خشونت خانوادگی را تجربه می کنند (کیکلت-گلaser و نیوتن، ۲۰۰۱۵).

امروزه شاهد این هستیم که در ابعاد گوناگون زندگی انواع هوش مهم و تاثیر گذار است. طبیعی است که پژوهشگران به دنبال میزان اثرات آن در آسیب های روانی و اجتماعی باشند که از جمله موارد مورد توجه ازدواج و طلاق است. در جامعه ایران نیز روز به روز ازدواج های ناشاد بیشتری به طلاق ختم می شوند. هوش در زندگی زناشویی نیز مهم است، هنرستان و مورا نشان دادند که یک ارتباط منفی بین هوش و طلاق در طول ۵ سال نخست ازدواج وجود دارد. در پژوهشی مشخص شد که شانس طلاق در طول ۵ سال نخست ازدواج برای افرادی با هوش شهر ۱۰۰ یا پایین تر از ۲۸، ۱۰۰، در صد است و برای افرادی با هوش شهر ۱۳۰ یا بالاتر، ۹ درصد است (ساکاتا و مکنیز، ۲۰۱۱). همان گونه که هوشبهر (هوش شناختی) می تواند بر میزان ناسازگاری زوجین و طلاق تاثیر بگذارد، هوش هیجانی (واعظی هم در چگونگی ارتباط زوجین با هم و حل مسایل زندگی تاثیر گذار است. برهمین اساس در سال های اخیر در عرصه روابط زناشویی، مهارت های هوش هیجانی از ضروریات یک زندگی زناشوی موفق و سازگارانه معرفی شده است. در دهه ۱۹۸۰ هوش هیجانی نام فعلی خود را به دست آورد. بلافاصله بعد از آن، پژوهش های انجام شده نشان دادند که هوش هیجانی با موفقیت های شخصی، شادی و موفقیت های حرفه ای رابطه دارد (پارمحمدی و بنکدار، ۲۰۱۱).

هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباطات میان تعقل و هیجان است. علی رغم دیدگاه های اولیه نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان می دهد که انسان نه منطق صرف است و نه احساس و هیجان صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است. اصطلاح هوش هیجانی اولین بار در سال ۱۹۹۰ و به عنوان شکلی از هوش اجتماعی مطرح شد که شامل توانایی کنترل احساسات و هیجانات خود و دیگران، پذیرش دیدگاه های سایر افراد و کنترل روابط و تلاش های اجتماعی است. وی-سینگر، هوش هیجانی را هوش به کارگیری عاطفه و احساس در جهت هدایت رفتار، افکار، ارتباط موثر با همکاران، سرپرستاران، مشتریان و استفاده از زمان و چگونگی انجام دادن کارها برای ارتقای نتایج تعریف می کند. هوش هیجانی از سوی برخی از محققان شامل متغیرهای شخصیتی است که با شاخص های بین موقعیتی رفتار نظیر پرخاشگری، همدلی، جرات ورزی و خوش بینی ارتباط می یابد. طبق نظر بار-آن احساسات هسته ی مرکزی زندگی هستند، احساسات بر هیجانات و هیجانات بر احساسات اثر می گذارند. این دلیل پر اهمیتی است مبنی بر این که چرا بایستی راجع به چگونگی قضاوت و کنترل هیجانات افراد کاری انجام شود (کیکلت-گلaser و نیوتن، ۲۰۰۱).

ناتوانی در بروز به موقع مهارت های هیجانی می تواند سلامت فکری، جسمانی و روانی افراد را تهدید کند و سازگاری افراد را در تعامل با دیگران به چالش بکشد. گاهی هیجانات نا به جا منجر به شناخت و دانش غلط می شود و زندگی اجتماعی، تحصیلی، شغلی و خانوادگی افراد را در معرض خطر قرار می دهد. توجه به هوش هیجانی به عنوان یک ویژگی انسانی، نقش آن در موفقیت های انسان از اهمیت فوق

- | | |
|---------------------------------|---|
| 1 . Batt, Gabhainn & Falvey | 2 |
| 1 . Markman & Floyd | 3 |
| 1 . Whisman , Sheldon & Goering | 4 |
| 1 . Kiecolt-Glaser & Netown | 5 |
| 1 . Sakata, Mckenzie | 6 |
| 1 . Emotional intelligence | 7 |
| 1 . Bar-On | 8 |

العاده ای برخوردار است. بنابراین فعالیت در زمینه هوش هیجانی به منظور شناسایی عواملی غیر از عوامل عقلی در زندگی افراد موثر و راهگشاست و تکمیل صلاحیت های انسانی می باشد (مندن مارکر ۲۰۱۹).

سرمایه روانشناختی نیز یکی از موضوعات جدیدی است که بر توانمندی ها و داشته های افراد تاکید می کند و به موضوعات مثبت زندگی بشر می پردازد و سعی می کند با نگاهی علمی و عملی، حضور این مولفه های مثبت را در زندگی بشر هموارتر سازد. سرمایه روانشناختی یکی از پدیده هایی است که طی سالهای اخیر در پژوهش ها ظرفیت بالقوه ای را برای ارتقاء سلامتی و عملکرد افراد از خود نشان داده است. سرمایه روانشناختی مفهومی است که عمدتاً از تئوری و تحقیق در حیطه روانشناسی مثبت ابتلا دست آمده است (آوی و ژانگ ۲۰۱۳). امید، خوش بینی، خود کارآمدی، تاب آوری، عاطف پذیری از مولفه های سرمایه روانشناختی هستند (آوی، ریچاردز، لوتانز، مائره ۲۰۱۳). سرمایه روانشناختی، یک حالت مثبت روانشناختی از رشد و تحول فردی است که از طریق چهار مشخصه قابل شناسایی است: متعهد شدن و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارها و وظایف چالش برانگیز (خودکارآمدی)؛ پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امیدواری)؛ و پایداری هنگام مواجهه با سختی ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (تاب آوری) (برانت، گومز، بویانووا ۲۰۱۳). چهار مولفه سرمایه روانشناختی، یعنی خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و جهت گیری مثبت به زندگی، قابلیت تغییر بالایی داشته و هر کسی در صورت برخورداری از شرایط روانی و موقعیتی مناسب می تواند به طرق مختلف زمینه تقویت آنها را فراهم سازد (لوتانز، نورمن، آوولیو، آوی ۲۰۰۹).

در اهمیت موضوع پژوهش باید بیان کرد که جامعه سالم در پرتو خانواده سالم و بارور شکل می گیرد. سرمایه روانشناختی به عنوان جنبه مثبت سلامت روان به شمار می رود و از این نظر بر شکل گیری رفتارهای مثبت در زمینه زندگی زنا شویی می تواند تاثیرگذار باشد. از طرفی پژوهش در زمینه مسایل مربوط به روابط زوجین همچون هوش هیجانی می تواند به سیاست گزاران و مشاوران حوزه خانواده کمک نماید تا برای تقویت پیوندهای خانوادگی و بهبود فضای خانواده، از نتایج چنین پژوهش هایی استفاده کنند. لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه نقش سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی انجام گرفته است.

پیشینه تجربی پژوهش

صاحب نظران و پژوهشگران معتقدند که هوش هیجانی می تواند کاربردها و تاثیرات مهمی بر فعالیت های گوناگون آدمی نظیر رهبری و هدایت شدن دیگران، رشد حرفه ای، سلامت روانی، زندگی خانوادگی و زنا شویی داشته باشد. علی اکبری دهکردی (۲۰۱۲)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین پرداخت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به علاوه، هوش هیجانی زنان و همسرانشان، ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان مورد پژوهش و ۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می کرد.

شمسایی، نیکخواه و جدیدی (۲۰۰۷)، به منظور بررسی نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی، ۱۲۰ زن و شوهر را به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب کردند. نتایج نشان داد که احساس هویت و هوش هیجانی در افرادی که رضایت زناشویی بالا و پایین دارند متفاوت است.

1 .Manden Makers 9

2 . Psychological Capital 0

2 . Positive Psychology 1

2 . Unruh LY , Zhang NJ. 2

2 . Hope 3

2 . Optimism 4

2 . Self-efficiency 5

2 . Resiliency 6

2 . Avey JB, Reichard RJ, Luthans f , Mhatre KH.

2 . Brandt T , Gomes J , Boyanova D.

2 . Luthans F, Norman S, Avoilio B, Avey J.

سلیمانی و محمدی (۲۰۰۹)، در تحقیقی به بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی دانشجویان شاغل به تحصیل در مراکز آموزش عالی شهر بجنورد پرداختند. نتایج نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و هوش هیجانی به تنهایی، ۳۰ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می کند.

مهنیان خامنه، برجعلی و سلیمی زاده (۲۰۰۶)، در تحقیقی به بررسی هوش هیجانی و رضایت زناشویی در دبیران زن پرداختند. نتایج نشان داد که همبستگی معناداری بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی وجود دارد. همچنین از بین مولفه های هوش هیجانی به ترتیب؛ خودآگاهی، مهارت های اجتماعی، خودمهارگری و همدلی، تاثیر معناداری بر رضایت زناشویی داشتند.

دلدار و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی با هدف پیدا کردن رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی به این نتیجه دست یافتند که هوش هیجانی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد.

رحمانی و قیصری پور (۲۰۰۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رضایتمندی زناشویی در زوج های ۳۰-۵۰ ساله شهر تهران پرداختند و تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی، ارتباط معناداری وجود دارد.

تیرگری و همکاران (۲۰۰۶)، نیز سطوح هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها را در زوج های ناسازگار مقایسه کردند و نشان دادند که بین مولفه های هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، این بررسی نشان داد که کفایت های هیجانی، سازه ای بنیادین و اثرگذار بر بهبود و تقویت رابطه زناشویی می باشد.

اهمیت مولفه های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این گونه می توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین، به مهارت های ارتباطی آن ها مثل توجه به مسایل از دید همسر، توانایی درک همدلانه آنچه همسر توجه کرده است، حساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۴؛ ترجمه محمدیان و همکاران، ۲۰۰۷). صنم نژاد و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و خودپنداره در افراد با و بدون شکست در عشق انجام دادند، دریافتند که افراد دارای شکست در عشق سطوح کمتری از هوش هیجانی و خودپنداره را نسبت به افراد بدون شکست در عشق دارند و در مولفه های هوش هیجانی بین دو گروه تفاوت معنی داری در خودشکوفایی، ارزیابی واقعیت، کنترل تکانه، حل مسئله، تحمل استرس، شادکامی و انعطاف پذیری وجود داشت که این نتایج می تواند در تشخیص و خدمات درمانی توسط روان شناس و مشاور بکار برود.

احدی و همکاران (۲۰۱۰)، نیز در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل انجام دادند، دریافتند که بین هوش هیجانی و خودکارآمدی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

هالی، یابیکو و بنین (۲۰۰۶)، پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین، هوش و طلاق انجام دادند، بین عامل هوش هیجانی و میزان طلاق رابطه معناداری یافتند.

یافته های پژوهش اسمیت کیاروچی و هیون (۲۰۰۸) در نمونه ای مشتمل بر ۴۵ زوج، بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری نشان داد.

در سالهای اخیر تعداد محدودی پژوهش انجام شده است که رابطه مولفه های سرمای روانشناختی را بر متغیرهای زناشویی بررسی کرده اند. به عنوان مثال عرب (۱۳۹۴) نقش سرمای روانشناختی را بر سازگاری زناشویی بررسی کرد، نتایج نشان داد بین متغیرهای پژوهش رابطه معنادار وجود دارد و سرمای روانشناختی و سرمای اجتماعی نقش موثری در سازگاری زناشویی دارد. در نتیجه متغیرهای سرمای اجتماعی و سرمای روانشناختی به خوبی سازگاری زناشویی را پیش بینی می کنند. بنابراین از طریق افزایش مهارت های زوجین در ابعاد فوق می توان میزان سازگاری زناشویی را در آن ها افزایش داد. پناهی و فاتحی زاده (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین مولفه های سرمای روان شناختی و کیفیت زندگی زناشویی در بین زوجین شهر اصفهان پرداختند، نتایج نشان داد که سرمای روانشناختی و کیفیت زندگی زناشویی دارای همبستگی مثبت می باشد، همچنین بین مولفه های سرمای روانشناختی و کیفیت زندگی زناشویی نیز رابطه مثبت دیده شد. در تحلیل رگرسیون، مولفه خودکارآمدی و تاب آوری پیش بینی کننده کیفیت زندگی زناشویی بودند. گل پرور (۱۳۹۳) با پژوهشی تحت عنوان الگوی نقش مولفه های سرمای روانشناختی در رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در همسران ایثارگران شهرکرد، نشان داد که امیدواری و جهت گیری به زندگی با رضایت از زندگی دارای رابطه مستقیم و خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری، جهت گیری به زندگی همراه با رضایت از زندگی با رضایت زناشویی رابطه مستقیم و معنادار دارند. همچنین نتایج نشان داد که رضایت از زندگی متغیر واسطه ای پاره ای در رابطه

0 . Holley, Yabiku & Benin 3

1 . Smith, Ciarrochi & Heaven 3

امیدواری و جهت گیری به زندگی با رضایت زناشویی است. به عبارت دیگر امیدواری و جهت گیری به زندگی بخشی از اثرات خود را به رضایت زناشویی از طریق رضایت از زندگی انجام می دهند.

ابزار پژوهش

پرسش نامه هوش هیجانی: ابزار مورد استفاده در این تحقیق برای اندازه گیری هوش هیجانی، پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن^۳ (۱۹۷۷) می باشد. این پرسشنامه دارای ۱۷۷ عبارت و ۱۵ خرده مقیاس می باشد که توسط بار-آن بر روی ۳۸۳۲ نفر از ۶ کشور هنجاریابی شده است. این پرسشنامه بر روی دانشجویان ایرانی نرم شده است و عبارت های آن به ۹۰ عبارت کاهش یافته است (دهشیری، ۱۳۸۲). در بررسی ها ضریب همسانی درونی به روش آلفای کورنباخ در هفت نمونه از جمعیت های مختلف، برای خرده مقیاس ها بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ با میانگین ۰/۷۶ به دست آمده است (بار-آن و پاکر، ۲۰۰۷). در ایران نیز زارع (۱۳۸۰) میانگین کل همسانی درونی پرسشنامه را ۰/۷۶ و شمس آبادی (۱۳۸۳) ضرایب آلفا را در دامنه ای بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۳ با میانگین ۰/۷ گزارش کرده اند. دهشیری (۱۳۸۲) ضریب پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کورنباخ برای دانشجویان دختر ۰/۶۸ و پسر ۰/۷۴ و برای کل ۰/۹۳، همچنین پایایی به روش زوج و فرد ۰/۸۸ بدست آمد. از آنجا که پرسشنامه مذکور بارها مورد استفاده قرار گرفته است، روایی آن تایید می گردد.

پرسشنامه سرمایه روانشناختی: برای سنجش سرمایه روانشناختی از پرسشنامه سرمایه روانشناختی^۴ استفاده می شود که توسط لوتاز در سال ۲۰۰۷ طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ گویه است که هر خرده مقیاس شامل ۶ گویه است. طیف نمره دهی آن بر اساس لیکرت پنج گزینه ای بوده است، به این صورت که از پنج مقیاس (کاملاً مخالفم، مخالفم، نه موافق نه مخالف، موافقم و کاملاً موافقم) استفاده شد که به ترتیب برای هر مقیاس نمرات (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) در نظر گرفته شده است. البته این شیوه نمره گذاری در مورد سوال های ۱۳ و ۲۰ به صورت معکوس نمره گذاری خواهد شد. این پرسشنامه دارای ۴ زیر مقیاس می باشد. خودکارآمدی: دارای ۶ سوال است. سوالات زیر مقیاس عبارتند از: (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، امیدواری: دارای ۶ سوال است. سوالات این زیر مقیاس عبارتند از: (۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸) و خوش بینی: دارای ۶ سوال است که عبارتند از: (۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴). پرسشنامه سرمایه روانشناختی، پرسشنامه ای استاندارد است که در سایر تحقیقات استفاده شده است. به عنوان نمونه لوتاز و اولیو در سال ۲۰۰۷ میزان پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کورنباخ ۰/۸۵ به دست آورده اند.

یافته ها

در این قسمت نتایج تحلیل آماری ارائه گردیده و به فرضیه پژوهش پاسخ داده شده است. در این راستا در ابتدا تحلیل توصیفی داده ها انجام شده و در ادامه داده های استنباطی ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. Bar-on emotional Intelligence Inventory (BEII)

۳. Psychological Capital Luthans

۴-۱ بررسی جمعیت شناختی

در این قسمت شاخص های توصیفی فراوانی و درصد فراوانی زوجین متقاضی طلاق و عادی به تفکیک سن ارائه می شود.

جدول (۴-۱) توزیع فراوانی و درصد فراوانی سن زوجین متقاضی طلاق و عادی

عادی		طلاق						وضعیت سنی
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱۵	۶۰,۰	۱۶	۶۴,۰	۱۳	۵۲,۰	۱۲	۴۸,۰	۲۰-۳۵ سال
۱۰	۴۰,۰	۹	۳۶,۰	۱۲	۴۸,۰	۱۳	۵۲,۰	۳۶-۵۰ سال
۲۵	۱۰۰,۰	۲۵	۱۰۰,۰	۲۵	۱۰۰,۰	۲۵	۱۰۰,۰	کل

۴-۲ توصیف داده ها

برای توصیف داده های مربوط به نمونه، ابتدا شاخص های توصیفی گروه ها محاسبه می شود، که به شرح زیر است:

(جدول ۴-۲) شاخص های توصیفی متغیرها با توجه به گروهها

متغیرها	گروه ها		تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
هوش هیجانی	کل	عادی	زن ۲۵	۲۸۵,۹۲	۷,۱۹۱
		مرد	۲۵	۲۵۰,۴۸	۴,۰۲۵
		طلاق	زن ۲۵	۱۹۳,۷۲	۳,۳۱۶
		مرد	۲۵	۲۲۲,۸۰	۲,۴۸۰
	مهارت درون فردی	عادی	زن ۲۵	۱۰۱,۸۴	۲,۳۳۲
		مرد	۲۵	۸۳,۴۴	۲,۹۰۰
		طلاق	زن ۲۵	۴۷,۲۰	۱,۳۴۷
		مرد	۲۵	۶۷,۶۴	۱,۳۵۹
		عادی	زن ۲۵	۶۲,۲۴	۱,۶۳۴

	مهارت بین فردی	طلاق	مرد	۲۵	۵۷,۱۲	۱,۵۶۱
			زن	۲۵	۴۲,۰۴	۱,۸۲۹
			مرد	۲۵	۴۸,۹۶	۱,۷۰۷
	کنترل استرس	عادی	زن	۲۵	۴۳,۰۰	۱,۸۵۸
			مرد	۲۵	۳۶,۹۶	۱,۵۳۲
		طلاق	زن	۲۵	۲۴,۸۰	۱,۰۶۹
			مرد	۲۵	۲۸,۹۲	۱,۰۹۲
	سازگاری	عادی	زن	۲۵	۴۸,۳۲	۰,۵۵۴
			مرد	۲۵	۴۴,۵۲	۱,۷۲۷
		طلاق	زن	۲۵	۴۲,۹۲	۱,۷۶۶
			مرد	۲۵	۴۶,۴۰	۱,۷۱۱
	خلق کلی	عادی	زن	۲۵	۳۰,۵۲	۱,۵۳۱
			مرد	۲۵	۲۸,۴۴	۱,۶۱۶
		طلاق	زن	۲۵	۳۶,۷۶	۰,۳۶۵
			مرد	۲۵	۳۰,۸۸	۱,۲۰۰
سرمایه روانشناختی	سرمایه روانشناختی کل	عادی	زن	۲۵	۷۷,۶۸	۱,۷۱۱
			مرد	۲۵	۷۷,۸۰	۱,۵۳۴
		طلاق	زن	۲۵	۵۷,۶۸	۰,۶۸۱
			مرد	۲۵	۵۹,۲۰	۱,۶۳۰
	امیدواری	عادی	زن	۲۵	۲۰,۴۰	۰,۸۶۵
			مرد	۲۵	۲۱,۵۶	۰,۸۱۰
		طلاق	زن	۲۵	۱۱,۱۶	۰,۵۷۹
			مرد	۲۵	۱۱,۸۴	۰,۴۱۳
	خوش بینی	عادی	زن	۲۵	۲۰,۲۸	۱,۲۷۲
			مرد	۲۵	۱۹,۰۴	۱,۷۸۵

		طلاق	زن	۲۵	۱۱,۹۲	۰,۹۴۷
			مرد	۲۵	۱۲,۲۰	۰,۰۵۲
	تاب اوری	عادی	زن	۲۵	۱۹,۶۴	۱,۹۵۲
			مرد	۲۵	۲۰,۱۶	۱,۵۴۳
		طلاق	زن	۲۵	۱۶,۶۸	۰,۹۰۴
			مرد	۲۵	۱۸,۰۰	۰,۷۱۴
	خودکارآمدی	عادی	زن	۲۵	۱۷,۳۶	۰,۷۴۵
			مرد	۲۵	۱۷,۰۴	۱,۸۸۹
		طلاق	زن	۲۵	۱۷,۹۲	۱,۶۳۲
			مرد	۲۵	۱۷,۱۶	۱,۹۲۰

۳-۴ آزمون فرضیه های تحقیق:

با توجه به این که در این تحقیق به مقایسه هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی زوجین عادی و متقاضی طلاق پرداخته شد، لذا برای آزمون فرضیه ی تحقیق از روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره استفاده می شود. چون پژوهشگر تصمیم دارد، دو متغیر وابسته را در دو گروه مورد مقایسه قرار دهد. لذا در این شرایط بهترین روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره می باشد. سه مفروضه اصلی تحلیل واریانس، نرمال بودن داده ها، همگنی ماتریس های واریانس - کواریانس (یکسانی واریانس های گروه ها) و همبستگی متوسط داده ها می باشد. لذا ابتداء به بررسی این سه مفروضه پرداخته می شود که نتایج به شرح زیر است:

۱- بررسی نرمال بودن داده ها:

یک ملاک معمول برای ارزیابی نرمال بودن، آزمون کولموگراف اسمیرنوف است.

(جدول ۳-۴) بررسی نرمال بودن داده ها

سطح معناداری	Z کالموگروف- اسمیرنوف	تعداد	گروه ها	
۰,۹۵۰	۰,۵۲۰	۲۵	مرد	عادی
۰,۹۵۳	۰,۵۱۶	۲۵	زن	
۰,۶۹۵	۰,۷۱۰	۲۵	مرد	طلاق

	مهارت درون فردی	عادی	زن	۲۵	۰,۶۱۶	۰,۸۴۳
			مرد	۲۵	۰,۵۴۳	۰,۹۳۰
		طلاق	زن	۲۵	۰,۵۶۶	۰,۹۰۶
			مرد	۲۵	۰,۷۴۱	۰,۶۴۲
		عادی	زن	۲۵	۰,۳۸۲	۰,۹۹۹
			مرد	۲۵	۰,۶۳۱	۰,۸۲۱
	مهارت بین فردی	طلاق	مرد	۲۵	۰,۶۴۵	۰,۷۹۹
			زن	۲۵	۰,۶۴۱	۰,۸۰۶
		عادی	مرد	۲۵	۰,۷۱۱	۰,۶۹۲
			زن	۲۵	۰,۸۴۶	۰,۴۷۲
سرمایه روانشناختی	کنترل استرس	طلاق	مرد	۲۵	۰,۷۱۲	۰,۶۹۱
			زن	۲۵	۰,۴۶۶	۰,۹۸۲
	سازگاری	عادی	مرد	۲۵	۰,۵۲۵	۰,۹۴۶
			زن	۲۵	۰,۸۷۶	۰,۴۲۷
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۸۳۲	۰,۴۹۳
			زن	۲۵	۰,۶۷۹	۰,۷۴۶
	خلق کلی	عادی	مرد	۲۵	۰,۴۹۶	۰,۹۶۷
			زن	۲۵	۰,۵۷۷	۰,۸۹۴
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۷۴۳	۰,۶۳۸
			زن	۲۵	۰,۵۹۵	۰,۸۷۱
	سرمایه روانشناختی کل	عادی	مرد	۲۵	۰,۴۹۶	۰,۹۶۷
			زن	۲۵	۰,۵۷۷	۰,۸۹۴
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۷۴۳	۰,۶۳۸
			زن	۲۵	۰,۵۹۵	۰,۸۷۱

	امیدواری	عادی	مرد	۲۵	۰,۴۴۶	۰,۹۸۹
			زن	۲۵	۰,۵۸۹	۰,۸۷۸
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۷۳۵	۰,۶۵۲
			زن	۲۵	۰,۹۰۸	۰,۳۸۱
	خوش بینی	عادی	مرد	۲۵	۰,۵۷۲	۰,۹۰۰
			زن	۲۵	۰,۶۰۱	۰,۸۶۳
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۶۳۳	۰,۸۱۷
			زن	۲۵	۰,۵۲۶	۰,۶۴۵
	تاب اوری	عادی	مرد	۲۵	۰,۸۳۹	۰,۴۸۱
			زن	۲۵	۰,۵۹۶	۰,۸۶۹
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۶۱۹	۰,۸۳۸
			زن	۲۵	۰,۵۰۸	۰,۹۵۸
	خودکارامدی	عادی	مرد	۲۵	۰,۶۵۴	۰,۷۸۶
			زن	۲۵	۰,۶۳۹	۰,۸۰۹
		طلاق	مرد	۲۵	۰,۷۱۶	۰,۶۸۴
			زن	۲۵	۰,۹۰۸	۰,۳۸۱

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کالموگروف-اسمیرنف در تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد لذا با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت توزیع نمرات متغیرهای مورد بررسی نرمال می باشد.

۲- بررسی همگنی ماتریس های واریانس - کواریانس (یکسانی واریانس ها):

جهت تعیین اینکه بین واریانسهای گروهها تفاوت وجود دارد یا خیر از آزمون لونز استفاده شد که نتایج به شرح زیر است:

(جدول ۴-۴) آزمون لونز برای یکسانی واریانس ها

سطح معناداری	درجه آزادی مخرج	درجه آزادی صورت	F	متغیرها
۰,۲۰۴	۹۸	۱	۵,۲۸۱	هوش هیجانی کل
۰,۷۰۰	۹۸	۱	۷,۴۹۳	مهارت درون فردی
۰,۵۶۴	۹۸	۱	۰,۳۳۵	مهارت بین فردی
۰,۲۶۸	۹۸	۱	۱,۲۴۰	کنترل استرس
۰,۰۶۳	۹۸	۱	۳,۵۳۵	سازگاری
۰,۹۳۱	۹۸	۱	۰,۰۰۷	خلق کلی
۰,۰۹۸	۹۸	۱	۲,۷۸۵	سرمایه روانشناختی کل
۰,۰۷۶	۹۸	۱	۳,۲۱۸	امیدواری
۰,۵۰۱	۹۸	۱	۸,۰۶۰	خوش بینی
۰,۵۴۱	۹۸	۱	۰,۳۷۷	تاب اوری
۰,۱۶۳	۹۸	۱	۱,۹۷۳	خودکارآمدی

در جدول آزمون لونز، سطح معناداری تمامی متغیرها، بیشتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا واریانس های این متغیرها در گروههای مورد مطالعه یکسان می باشند.

۳- بررسی همبستگی بین متغیرها:

در پایان جهت بررسی همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد:

(جدول ۴-۵) آزمون کرویت بارتلت

۰,۷۱۷	بیشینه احتمال
۱۰۲,۶۱۷	خی دو
۳۶	درجه آزادی
۰,۰۰۰	سطح معناداری

نتایج همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته را نشان می دهد، چون سطح معناداری آزمون (۰,۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا می توان از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده کرد که نتایج به شرح زیر است:

فرضیه اصلی پژوهش: بین سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد.

(جدول ۴-۶) آزمون تحلیل واریانس چند متغیره

مجدور ایتای سهمی	سطح معناداری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	F	مقدار	شاخص ها
۰,۰۷۵	۰,۱۵۱	۹۰,۰۰۰	۹,۰۰۰	۳۴,۵۲۱	۰,۷۷۵	اثر پیلایی
۰,۰۷۵	۰,۱۳۸	۹۰,۰۰۰	۹,۰۰۰	۳۴,۵۲۱	۰,۲۲۵	لامبدای ویلکز
۰,۰۷۵	۰,۱۲۶	۹۰,۰۰۰	۹,۰۰۰	۳۴,۵۲۱	۳,۴۵۲	اثر هاتلینگ
۰,۰۷۵	۰,۰۱۵	۹۰,۰۰۰	۹,۰۰۰	۳۴,۵۲۱	۳,۴۵۲	بزرگترین ریشه روی

در تحلیل های چند متغیری ، SPSS چهار آزمون معنی داری به نام های اثر پیلایی^۴، لامبدای ویلکز^۵، اثر هتلینگ^۶ و بزرگترین ریشه ی روی^۷ را محاسبه می کند که آزمون ویلکز لامبدای، مناسب ترین آنها در تحلیل های چند متغیری قلمداد می شود. همانطور که مشاهده می شود سطح معناداری آزمون لامبدای ویلکز (۰/۰۷۵) کمتر از ۰/۰۵ می باشد که نشان دهنده تفاوت معنادار بین میانگین های متغیرهای وابسته در دو گروه می باشد. از طرف دیگر با توجه به ارزش مجدور ایتای پاره ای، می توان معین کرد که متغیر مستقل (نوع رابطه زوجین) عادی و متقاضی (طلاق) حداقل ۷/۵ درصد از واریانس کل را تبیین می کند. لذا جهت بررسی دقیق تر فرضیه ها از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده کرد که به ارزیابی تک تک متغیرهای وابسته پرداخته می شود.

³ Pillais Trace 4
³ Wilks Lambda 5
³ Hotelling's Trace 6
³ Roy's Largest Root 7

فرضیه فرعی اول: بین سرمایه روانشناختی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد.

(جدول ۴-۷) آزمون تحلیل واریانس چند متغیره سرمایه روانشناختی زوجین متقاضی طلاق و عادی

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات		تفاوت
۰,۰۰۰	۶۹,۰۷۴	۹۳۱۲,۲۵۰	۱	۹۳۱۲,۲۵۰	بین گروه ها	سرمایه روانشناختی کل
		۱۳۴,۸۱۶	۹۸	۱۳۲۱۱,۹۴۰	خطا	
۰,۰۰۰	۱۰۱,۲۱۱	۲۲۴۶,۷۶۰	۱	۲۲۴۶,۷۶۰	بین گروه ها	امیدواری
		۲۲,۱۹۹	۹۸	۲۱۷۵,۴۸۰	خطا	
۰,۰۰۰	۵۵,۲۷۷	۱۴۴۴,۰۰۰	۱	۱۴۴۴,۰۰۰	بین گروه ها	خوش بینی
		۲۶,۱۲۳	۹۸	۲۵۶۰,۰۴۰	خطا	
۰,۰۹۱	۲,۹۲۱	۱۶۳,۸۴۰	۱	۱۶۳,۸۴۰	بین گروه ها	تاب اوری
		۵۶,۰۹۹	۹۸	۵۴۹۷,۷۲۰	خطا	
۰,۸۱۵	۰,۰۵۵	۲,۸۹۰	۱	۲,۸۹۰	بین گروه ها	خودکارآمدی
		۵۲,۴۷۴	۹۸	۵۱۴۲,۴۲۰	خطا	

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود سطح معناداری تحلیل واریانس، در متغیرهای سرمایه روانشناختی کل، امیدواری و خوش بینی از ۰/۰۵ کمتر است لذا می توان گفت بین سرمایه روانشناختی کل، امیدواری و خوش بینی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد و در سایر خرده مقیاس ها تفاوت معناداری مشاهده نشد.

فرضیه فرعی دوم: بین هوش هیجانی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد.

(جدول ۴-۸) آزمون تحلیل واریانس چند متغیره سرمایه روانشناختی زوجین متقاضی طلاق و عادی

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات		تفاوت
۰,۰۰۰	۵۸,۳۹۲	۸۹۸۲۰,۰۹۰	۱	۸۹۸۲۰,۰۹۰	بین گروه ها	هوش هیجانی کل
		۱۵۳۸,۲۲۱	۹۸	۱۵۰۷۴۵,۶۲۰	خطا	
۰,۰۰۰	۵۳,۳۹۸	۳۱۰۱۱,۲۱۰	۱	۳۱۰۱۱,۲۱۰	بین گروه ها	مهارت درون فردی
		۵۸۰,۷۵۲	۹۸	۵۶۹۱۳,۷۰۰	خطا	
۰,۰۰۰	۱۹,۵۰۰	۵۰۲۶,۸۱۰	۱	۵۰۲۶,۸۱۰	بین گروه ها	مهارت بین فردی
		۲۵۷,۷۹۰	۹۸	۲۵۲۶۳,۳۸۰	خطا	
۰,۰۰۰	۵۳,۶۸۹	۴۳۰۳,۳۶۰	۱	۴۳۰۳,۳۶۰	بین گروه ها	کنترل استرس
		۸۰,۱۵۳	۹۸	۷۸۵۵,۰۰۰	خطا	
۰,۶۱۷	۰,۲۵۲	۷۷,۴۴۰	۱	۷۷,۴۴۰	بین گروه ها	سازگاری
		۳۰۷,۰۳۵	۹۸	۳۰۰۸۹,۴۰۰	خطا	
۰,۰۵۳	۳,۸۲۱	۴۷۰,۸۹۰	۱	۴۷۰,۸۹۰	بین گروه ها	خلق کلی
		۱۲۳,۲۲۳	۹۸	۱۲۰۷۵,۸۶۰	خطا	

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود سطح معناداری تحلیل واریانس، در متغیرهای هوش هیجانی کل، مهارت درون فردی، مهارت بین فردی و کنترل استرس از ۰/۰۵ کمتر است لذا می توان گفت بین هوش هیجانی کل، مهارت درون فردی، مهارت بین فردی و کنترل استرس در زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد و در سایر خرده مقیاس ها تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری

یک تحقیق علمی با هدف شناخت یک پدیده در جامعه آماری انجام می شود. به این دلیل موضوع تحقیق ممکن است متوجه صفات، ویژگی ها، کارکردها و متغیرهای آن یا اینکه توجه روابط بین متغیرها، صفات کنش و واکنش و عوامل تاثیر گذار در جامعه باشد. بنابراین جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص دارای یک یا چند صفت مشترک باشند (حافظ نیا، ۱۳۹۲).

هدف این پژوهش "بررسی مقایسه‌ی سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی" است. جامعه‌ی آماری این پژوهش زوجین متقاضی طلاق هستند که به دادگستری نیشابور مراجعه کرده‌اند و زوجینی که زندگی عادی داشته و تا به اکنون برای طلاق به دادگستری مراجعه نکرده‌اند. با توجه به هدف پژوهش و موضوع تحقیق، گروه نمونه برای پژوهش حاضر زوجین ۲۰ تا ۵۰ سال و حداقل دیپلم هستند که تصمیم به طلاق و جدایی داشته و به دادگستری نیشابور تقاضای رسیدگی داده باشند و نیز زوجین عادی است. نتایج پژوهش حاضر با این تحقیقات همسو است. در تحقیقی بیان شده که در ازدواج‌هایی که در آنها زوجین با یکدیگر در تعارض و تضادند، برانگیختگی‌های عاطفی زیاده‌تر است، به بیان دیگر بیشتر اختلافات و تعارض‌ها بین زن و شوهرها به دلیل برانگیختگی عاطفی اتفاق می‌افتد. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اشخاص در توانایی دریافت و تشخیص دقیق عواطف خود و دیگران با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین افراد دارای تفاوت‌های قابل توجهی در توانایی ابراز صریح عواطف خود هستند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که زوجین شاد در مقایسه با زوج‌هایی که روابط زناشویی و عاطفی خوبی با هم ندارند، احساسات همدمی بیشتری نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند و نسبت به احساسات همدیگر حساسیت بیشتری به خرج می‌دهند (سیاروچی و همکاران، ۱۳۸۳). در پژوهشی درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات، مالوف و همکاران (۲۰۰۱) انجام گرفت، نتایج نشان می‌دهد که افراد با هوش هیجانی بالا، نمرات بیشتری در خودبازبینی، خودکنترلی و همدمی در موقعیت‌های اجتماعی بدست آورده‌اند. این افراد پاسخ‌های همراه با مشارکت و بازی بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند. روابط محبت‌آمیزتر و نزدیک‌تری را از خود نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی در یک فرآیند تحلیلی و تبیینی دامن‌دار^۳ لوتارز (۱۹۹۹) عنوان می‌کند که بهزیستی روانی در درجه اول از عوامل فردی تأثیر می‌پذیرد که در این میان بر نقش سرمایه روانشناختی تأکید کرده است. از نظر او، سرمایه روانشناختی سازه‌ای ترکیبی و به هم پیوسته است که چهار مولفه ادراکی - شناختی یعنی امید، خوش بینی، خودکارآمدی و تاب‌آوری را شامل می‌شود. این مولفه‌ها در یک فرآیند ارزشیابی و تعاملی به زندگی فرد معنا می‌بخشند (وود و وود، ۱۹۹۶) تلاش فرد برای تغییر موقعیت فشارزا را تداوم داده، او را برای ورود به صحنه آماده می‌کنند (بونو، ۲۰۰۱) و مقاومت و سرسختی وی را در تحقق اهداف تضمین می‌نمایند (پارکر، بالتس، یونگ، هاف، آلتمن، لوکاست و روبرتس، ۲۰۰۴) از این رو "کرید^۴ و "هیکس^۵ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که این چهار منبع در یک نظام به هم پیوسته به تقویت یکدیگر و شکل‌دهی سپری مقاوم در برابر عوامل فشار آفرین عمل می‌نمایند. لذا بر اثرات ضربه‌گیر (مارش، کاکسیوپ، میل، روبینز و واترس، ۱۹۹۴) این منابع در موقعیت‌های پرتنش تأکید شده است. شترک خود تجربه کرده‌اند. آنها همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت دارند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

در پژوهشی مشخص شد که شانس طلاق در طول ۵ سال نخست ازدواج برای افرادی با هوشبهر ۱۰۰ یا پایین‌تر از ۱۰۰، ۲۸ درصد است و برای افرادی با هوشبهر ۱۳۰ یا بالاتر، ۹ درصد است (ساکاتا و مکنیز، ۲۰۱۱^۶). همان گونه که هوشبهر (هوش شناختی) می‌تواند بر میزان سازگاری زوجین و طلاق تأثیر بگذارد، هوش هیجانی^۷ و عاطفی هم در چگونگی ارتباط زوجین با هم و حل مسایل زندگی تأثیر گذار است. بر همین اساس در سال‌های اخیر در عرصه روابط زناشویی، مهارت‌های هوش هیجانی از ضروریات یک زندگی زناشوی موفق و سازگارانه معرفی شده است. در دهه ۱۹۸۰ هوش هیجانی نام فعلی خود را به دست آورد. بلافاصله بعد از آن، پژوهش‌های انجام شده نشان دادند که

- | | |
|--|---|
| 3 . Luthans | 8 |
| 3 . Wood & Wood | 9 |
| 4 . Bono | 0 |
| 4 . Parker, Baltes, Young, Huff, Altmann, Lacost & Roberts | |
| 4 . Creed, Machin | 2 |
| 4 . Hicks | 3 |
| 4 . Marsh, Caccioppe, Millet, Robbins & Waters | |
| 4 . Sakata, Mckenzie | 5 |
| 4 . Emotional intelligence | 6 |

هوش هیجانی با موفقیت های شخصی، شادی و موفقیت های حرفه ای رابطه دارد (یارمحمدی و بنکدار، ۲۰۱۱). تیرگری و همکاران (۲۰۰۶)، نیز سطوح هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها را در زوج های ناسازگار مقایسه کردند و نشان دادند که بین مولفه های هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، این بررسی نشان داد که کفایت های هیجانی، سازه ای بنیادین و اثرگذار بر بهبود و تقویت رابطه زناشویی می باشد.

اما تا به حال هیچگونه تحقیقی چه داخلی و یا خارجی صورت نگرفته است که به بررسی همزمان تاثیر سرمایه روانشناسی و هوش هیجانی بر روی زوجین بپردازد. باتوجه به بررسی انجام شده نتایج پژوهش گویای این مطلب است که: همانطور که در جدول (۷-۴) مشاهده می کنید سطح معناداری تحلیل واریانس، در متغیرهای سرمایه روانشناختی کل، امیدواری و خوش بینی از ۰/۰۵ کمتر است لذا می توان گفت بین سرمایه روانشناختی کل، امیدواری و خوش بینی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد. همچنین همانطور که در جدول (جدول ۴-۸) مشاهده می شود سطح معناداری تحلیل واریانس، در متغیرهای هوش هیجانی کل، مهارت درون فردی، مهارت بین فردی و کنترل استرس از ۰/۰۵ کمتر است لذا می توان گفت بین هوش هیجانی کل، مهارت درون فردی، مهارت بین فردی و کنترل استرس در زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

محدودیت ها

در این پژوهش محدودیت هایی وجود داشت از جمله، زوجین متقاضی طلاق حاضر به همکاری نبودند و با توجه به این که گروه نمونه متقاضی طلاق از بین زوجین متقاضی طلاق حاضر در واحد دادگستری نیشابور انتخاب شده بودند بعضی از زوجین به دلیل ترس از اینکه نتایج این پژوهش در روند طلاق آنها تاثیر سوئی داشته باشد از شرکت در این پژوهش امتناع می کردند (لازم به ذکر است که به تمامی زوجین گروه عادی و متقاضی طلاق این اطمینان داده شده بود که نتایج محرمانه و بدون نام خواهد بود و صرفا برای انجام پژوهش علمی استفاده خواهد شد).

پیشنهادهای کاربردی

در این بخش با توجه به روابط بررسی شده در تحقیق و نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل های صورت گرفته پیشنهاد های کاربردی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- ۱- باتوجه به اینکه خیلی از زوجین متقاضی طلاق زمانی که به خواست خودشان از نتیجه تست خودشان آگاه می شدند و می فهمیدند که در مولفه هایی چون هوش هیجانی، تاب آوری و سرمایه روانشناختی عملکرد خوبی نداشته اند و این توانایی پایین در مهارتهای فوق، خود عاملی در ایجاد سوئی تفاهمات زناشویی بوده است، پیشنهاد می کنم در زمان طلاق حتما تست های هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی انجام گیرد و بعد از مشخص شدن نتایج تست به مشاوره زوجین پرداخته شود که مطمئنا نتایج بهتری بدست خواهد آمد.
- ۲- همانطور که نتایج پژوهش نشان دادند متغیرهای سرمایه روانشناختی و هوش هیجانی در قرار گرفتن زوجین در گروه طلاق اهمیت به سزایی دارد، لذا پیشنهاد می کنم که به زوجین در ابتدای ازدواج آموزش مهارتهای هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی داده شود تا زوجین با آگاهی بالاتر و مهارتهای روانشناختی بهتری زندگی زناشویی خود را آغاز نمایند.
- ۳- آموزش مهارتهای درون فردی و بین فردی به افراد در دوران تحصیل بهتر است زیرا که ذهن برای یادگیری آماده تر است و افراد از لحاظ هیجانی آمادگی بالاتر و بهتری برای پذیرش تغییرات در ویژگی های روانی خود دارند. بنابراین افراد می توانند توانایی ها و مهارتهای خود را در این زمینه حساس و مهم بالا ببرند.
- ۴- آموزش مهارتهای تاب آوری و کنترل استرس به افراد که بتوانند در زمان روبرویی با مسایل و مشکلات سلامت روانی خود را حفظ کنند و بهتر تصمیم گیری نمایند.

➤ باتوجه به نتایج پژوهش پیشنهاد های پژوهشی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱- با توجه به اینکه تا به اکنون پژوهشی به تاثیر سرمایه روانشناختی در تصمیم به طلاق زوجین صورت نگرفته است، می تواند بررسی تاثیر سرمایه روانشناختی در زندگی زناشویی مورد پژوهش قرار گیرد.

۲- اهمیت سرمایه روانشناختی در روانشناسی در دهه های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است می توان به تاثیر آموزش سرمایه روانشناختی به زوجین و بررسی میزان افزایش رضایت زناشویی آنها پرداخت. بخصوص که در این زمینه نیز پژوهشی صورت نگرفته است.

منابع

- اعتمادی، عذرا، نوایی نژاد، شکوه، احمدی، سید احمد، و فرزاد، ولی الله. (1385) بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاور در شهر اصفهان. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روانشناختی. دوره ۲(۲۰۱) ۸۸-۹۶، تابستان ۱۳۸۵.
- اکبرزاده، نسرين (۱۳۸۳)، هوش هیجانی و دیدگاه سالووی و دیگران، تهران: انتشارات فارابی.
- براتی، طاهره (۱۳۷۵). تاثیر تعارض های زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر " پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره " تهران : دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- برنشتاین، ج.ف، برنشتاین، م.ت. (1377). شناخت و درمان اختلافات زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه حمید رضا سهرابی. انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا. چ. اول 1377.
- بهاری، فرشاد، میروسی، لیلی (1377) گونه شناسی طلاق و سیر آن. نشریه داخلی پیام مشاوره. شماره 3 و 4 دفتر مرکزی مشاوره دانشجویی. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- پناهی، احسان، فاتحی زاده، مریم (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مولفه های سرمایه روانشناختی و کیفیت زندگی زناشویی در بین زوجین شهر اصفهان. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. سال ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳.
- جهانگیری، علی؛ محمد، محسن (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی بر کاهش نارضايتمندی زناشویی زوجین. مجموعه مقالات دومین همایش ملی روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت.
- حسن زاده، محسن (۱۳۸۶). بررسی روانشناختی ازدواج های ناموفق. مشهد: بنفشه.
- دلاور، علی (۱۳۸۷). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار-اون (EQ-I). برای ارزیابی جنبه های مختلف هوش دانشجویان دانشگاه های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده علامه طباطبائی.
- رضا زاده، محمد رضا. (1387) رابطه مهارتهای ارتباطی و سازگاری زناشویی در دانشجویان. دو فصلنامه. روانشناسی معاصر انجمن روانشناسی ایران. دوره سوم، شماره 1. بهار ۱۳۸۷.
- زارع، محسن (۱۳۸۰). مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران.
- عرب، سعیده (۱۳۹۴). بررسی نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی بر سازگاری زناشویی. کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، تعداد صفحات ۷۲. سال انتشار ۱۳۹۴.
- گل پرور، محسن، قاسمی، مریم، صاحبی، محمدرضا (۱۳۹۳). الگوی نقش مولفه های سرمایه های روانشناختی در رضایت از زندگی و رضایت زناشویی در همسران ایثارگران شهر کرد. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، ۱۱۹-۱۴۰.
- میلر، شرود، و همکاران. (1385). آموزش مهارتهای ارتباط زناشویی: حرف زدن و گوش دادن به همدیگر. ترجمه فرشاد بهاری. انتشارات رشد. جلد اول. چ. دوم 1385.
- Ahadi, B., Narimani, M., Abolghasemi, Gh., and Asiaee, M. (2010). Considering relation between life satisfaction and emotional quotient and self-effectiveness. Training Studies in Psychol, vol (10), no(1): 117-127. (Persian).
- Aliakbari Dehkordi, M. (2012). Relationship between emotional intelligence and marital satisfaction in couples. Journal of behavioral sciences, 6(2), 161-169. (Persian)
- Avey, J.B., Reichard, R.J., Luthans, F., & Mhatre, K.H. (2011). Meta-analysis of the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors, and performance, Human Resource Development Quarterly, 22 (2), 127-152.

- Bar-on, R(1999). The Emotional Quotient Inventory (EQ-I).A test of emotional intelligence.Toronto : Multi Health System Inc. couple communication. Journal of Family Psychology. 12:543-556.
- Dildar, S., Bashir, S., Shaib, M., Sultan, T., & Saeed, Y. (2012). Chains do not hold a marriage together: Emotional intelligence and marital adjustment (A Case of Gujrat District Pakistan). Middle-East Journal of Scientific Research, 11(7), 982-987.
- Golman D(1995).Emotional intelligence. 1 st ed.New York: Bantam; 55-86
- Gottman,J.M.(1993).A Theory of Marital Dissolution and stability. Journal of Family Psychology-7,1,57
- Holley, P., Yabiku, S. T., and Benin, M. (2006). The Relationship between Intelligence and Divorce. Journal of Family Issues, 27(12): 1723-1748.
- Kiecolt-Glaser, J. K, Newton, T. (2001). Marriage and health: his and hers. Psychological Bulletin, 127:472–503.
- Kiecolt-Glaser, J. K, Newton, T. Marriage and health: his and hers. Psychological Bulletin, 2001,127:472–503.
- Lawrence, E., Bradbury, T.N.(2000). Physical aggression and marital dysfunction: A. Longitudinal analysis. Journal of Consulting Clinical Psychology.68:4-12
- Luthans, F., & Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. Personnel Psychology, 60: 541–572
- Mahanian Khameneh, M., Borjalia, A., & Salimizadeh, M.K. (2006). The relation between emotional intelligence and marital satisfaction in the women teachers. Journal of Psychology, 10(3), 308-320. (Persian)
- Manden makers J.J, Monden C.W.S & Kalmijn M, Are the effects of divorce on psychological distress modified by familybackground? Advances in Life Course Research; 2010, 15, 27–40.
- Markman, H.J., Floyd, F. (2002). Possibilities for the prevention of marital discord: A behavioral perspective. American Journal of Family Therapy 1981; 9: 30-48.
- Miller,S.L.(1971). The effects of communication training in small groups upon self disclosure
- Miller,S.L., and Nunnally, E. W., & Wackman, D. B.(1976). A communication training program for couples. Social Casework,57,9-18.
- Rahmani, M., and Gheisari pour. S. (2007). Investigating the relationship between emotional intelligence and marital satisfaction in couples aged 30 to 50 in Tehran. Abstracts for the Second National Congress of Family Pathology.Tehran: Shahid Beheshti University.p 187.
- Sakata K & McKenzie C.R, Social security and divorce in Japan. Journal Mathematics and Computers in Simulation; 2011, 81, 1507–1517.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. Emotional intelligence. Imagination, Cognition and Personality, 1990, 9, 185-211.
- Sanamnejad, Gh.A., Pashavi, Gh., Oftadehal, M., Ostadhasanloo, H.,Khodayarifard, M., Aryan, Kh., & Farahani, H. (2011). Emotional intelligence and self-concept in people with and without failure in love. Procedia – Social and Behavioral Sciences, 30: 1447 – 1451.
- Sanders, M.R, Halford, W.K., and Behrens, B.C.(1998). Parental divorce and premarital
- Schutte, N.S., Malouff, J.M., Bobik, C., Coston, T.D., Greeson. C., Jedlicka, C., Rhodes, E., & Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. Journal of Social Psychology, 141(4), 523-536.
- Shamsaei, M.M., Nickkhah, H.R., & Jadidi, M. (2007). The role of identity and emotional intelligence in marital satisfaction. Journal of Applied Psychology, 1(2), 57-67. (Persian)
- Smith, L., Ciarrochi, J., and Heaven P.C.L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. Personality and Individual Differences, 45: 738–743.
- Soleymani, A.A., & Mohammadi, A. (2009). A study of the relationship between emotional intelligence and marital satisfaction. Pajhouhesh- Nameye Tarbiati, 5(19), 131-150. (Persian)
- Tirgari, A., Asgharnezhad Fraid, A.A., Bayanzadeh S.A., and Abedin A. R.(2006). A comparison between emotional intelligence and marital satisfaction,and their structural relation among discordant and well-adjusted couples in Sari, Iran. The Journal of Mazandaran University of Medical Sciences, 16(55): 78-86. (Persian).
- Whisman, M. A., Sheldon, C.T., Goering, P. (2000). Psychiatric disorders and dissatisfaction with social relationships: Does type of relationship matter? Journal of Abnormal Psychology, 109; 803-808

- Yarmohammadian A, Bonakdar Hashemi N & Asgari K, The effect of emotional intelligence and life skills training on marital adjustment among young couples. Knowledge & Research in Applied Psychology 2011, 12, 2 (Continuous No. 44).